بازخوانی یک یاد

در سالی که گذشت نکته‌های زیادی درباره سیف‌الله داد گفته شد؛ دوستانش و سینماگران و حتی مدیران.

آرمانگرا و سرزنده

بهمن فرمان‌آرا

نسل من و «داد» نسلی بسیار آرمانگرا و به دنبال آرمانشهر است که به خاطر آن حاضر بودیم هزینه بدهیم. او همیشه فردی سرزنده بود، همیشه در اعیاد مذهبی اولین تبریک را او می‌گفت. با وجود اینکه در کارهای صنفی، کیلویی حسادت در وجود آدم جمع می‌شود اما یک جو حسادت هم در دل «داد» نبود و مشابه این آدم‌ها کم پیدا می‌شوند.

مشتاق سینما

علیرضا رئیسیان

شاید کارهای اثرگذار «داد»، از عدد بیرون باشد. او پس از آنکه به مسوولیت معاونت سینمایی رسید شورای اکران را راه‌اندازی کرد، امور اکران را به دست سینماگران سپرد و ممیزی را تا حد زیادی حذف کرد. او به یک تیم فکر می‌کرد و می‌گفت یک تیم باید در کنار هم و متشکل از سینماگران و مسوولان، مسائل سینما را حل کند اما در دوره‌های بعد ناگهان این مفهوم عوض شد. کار سیف‌الله داد در تشکیل شورای سیاستگذاری سینمای ایران کاری عظیم و ماندنی بود چون بعدها نشان داد دست‌اندرکاران سینما تا چه حد در حل مشکل آن موثرند. در آن زمان بود که همه فهمیدند با کارهای غیرمنطقی نمی‌توان قدرت و تاثیرگذاری سینما را کم کرد. سیف‌الله داد در زمان کارگردانی و پشت میز مدیریت حالش هرگز عوض نشد و همیشه با نگرانی مشتاق وقایع سینما بود. امتزاج خاصی از حس مردم‌دوستی و قدرت در وجود او بود و با اینکه همیشه از لحاظ اقتصادی فرد قوی‌ای بود اما به شدت مراقب مسائل شخصی و مدیریتی در کارش بود و نمی‌گذاشت این مسائل با هم مخلوط شوند. ظاهری خشک و متین اما حس طنز بسیار قوی‌ای داشت.

با اراده

بهروز افخمی

سیف‌الله داد همیشه با کسانی که می‌خواست سینما را از بین ببرد مبارزه کرد و به خاطر این مبارزه صدمه دید و ضربه خورد. مرحوم داد توان سازماندهی در سطح کلان را داشت. این امکان را داشت که در همه جای دنیا برای تمام مردم فیلم بسازد و بازمانده‌اش این نکته را به ما نشان داد. شاید اگر زنده می‌ماند به این نتیجه می‌رسید که توان و اراده خاصش را برای فیلمسازی در ابعاد دیگری خارج از سطح دائماً تخریب‌شونده سینمای ایران در دست بگیرد.

حوصله عجیب

علیرضا داوودنژاد

او سال‌ها با حوصله عجیبی کار صنفی انجام می‌داد و از روش‌های تازه استفاده می‌کرد و اصرار داشت سینما را از وابستگی به سرمایه دولتی آزاد کند. وی نگرشی را مد نظر قرار داد که معتقد بود سینماگران نباید مجیزه‌گو باشند و هر کس دنبال پول نباشد و به آسیب‌های اجتماعی توجه کند. او اصطلاح سینمای مصلحانه را به کار برد. با اینکه جریان سیاست‌باز به وی فشار می‌آورد، فضا را باز کرد تا تجربه‌ای تازه اتفاق بیفتد و سینمای ایران به زندگی ایرانی نزدیک‌تر باشد. البته این موضوع با یک فیلم و ۱۰ فیلم به مقصد نمی‌رسد. مرحوم داد چشم از هدف برنداشت و در جهت فرهنگی بودن سینما قدم‌هایی برداشت اما بیش از سه سال دوام نیاورد و ارشاد را ترک کرد. چه کسانی می‌توانند بگویند سطح ذوق در سینمای ایران از همیشه پایین‌تر آمده است و دیگر رایت‌هایش ارزشی ندارد؟

به مناسبت سالگرد درگذشت اولین مدیر سینمایی دوره اصلاحات

داد با سینمای ایران چه کرد

گیسو فغفوری

مدیران دوره جدید هر وقت می‌خواهند از سینمای دوره اصلاحات سخن بگویند، با کلماتی چون ابتذال حرف می‌زنند. این انتقاد از سوی بعضی سینماگران نیز در همان دوره مطرح شد. این حرف‌ها بیشتر به سینمای دوره سیف‌الله داد برمی‌گشت و اصلاً علت تغییر معاونت سینمایی در آن دوره نیز همین حرف و حدیث‌ها بود. حالا که زمانی از آن دوره گذشته است و مدعیانی دیگر با ادعاهایی دیگر چند سالی است سکان سینمای ایران را به دست گرفته‌اند و سینما را به اینجایی که اکنون قرار دارد، هدایت کرده‌اند، زمان مناسب‌تری برای بررسی سینمای آن دوره است که ببینیم واقعاً در سینمای آن دوره چه اتفاقاتی رخ داد؟ سیف‌الله داد به عنوان بنیانگذار سینمای دوره اصلاحات با سینما چه کرد؟

سینما زیر سایه سیاست: در ایران همواره تحولات سیاسی در هنر نیز تاثیرگذار است. همان طور که وقوع انقلاب اسلامی در سینما تاثیر گذاشت و بین سینمای قبل و بعد از انقلاب تفاوت ایجاد کرد، تحولات سیاسی دیگر نیز بسته به گستردگی‌شان در هنر تاثیرگذار بودند. پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ و رئیس‌جمهور شدن سیدمحمد خاتمی، دامنه تغییر و تحولات به سینما نیز کشیده شد. در این دوره با انتخاب سیف‌الله داد به عنوان معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سیاست‌های تازه‌ای درباره سینما در پیش گرفته شد. مدیریت دولتی سینما راه را برای دخالت سینماگران در تصمیم‌گیری‌ها باز کرد. نمایندگان صنوف به شوراهای دولتی راه یافتند و حتی در برخی از شوراهای کلیدی اکثریت را کسب کردند. نهادهای صنفی تقویت شدند و فضاهایی بازتر به وجود آمد. سیاست‌های سینمایی به طور شفاف در قالب دفترچه‌ای اعلام و شورای عالی سینما تشکیل شد؛ اقداماتی که هم‌اکنون نیز از سوی مدیریت جدید سینمایی با الگوبرداری از آن دوره شکل گرفته است، اما این الگوبرداری ظاهری است. در حالی که در آن دوره به فضای باز و دخالت صنوف در سینما اهمیت داده می‌شد و نفس تشکیل شورای عالی سینما و حتی اعلام سیاست‌ها در همین راستا ارزیابی می‌شود، اما در دوره جدید صنوف تقریباً از تصمیم‌گیری‌ها حذف شده‌اند. در فضای به‌وجودآمده در دوره مدیریت سیف‌الله داد امکان گفتن برخی از حرف‌ها برای سینماگران فراهم شد و فیلم‌ها گرایش انتقادی پیدا کردند. موضوع‌های فیلم‌ها متنوع‌تر شد و برخی از موضوع‌ها برای نخستین بار در سینمای ایران مطرح شد. یکی از موضوع‌های محوری در این دوره، موضوع‌های عاشقانه بود. در میان فیلم‌هایی که با این موضوع‌ها ساخته می‌شد، فیلم‌های ارزشمندی نیز دیده می‌شود، اما فیلم‌هایی را نیز می‌توان یافت که با استفاده از فضای به‌وجودآمده، به شبیه‌سازی فیلمفارسی‌های قدیم پرداختند. در این دوره اتفاق‌هایی در سینما افتاد که متاثر از فضای سیاسی و اجتماعی ایران و مطالبات مردم و هنرمندان بود و این دوره را با دوره‌های قبل و بعد از خود متفاوت می‌کند.

نمایش فیلم‌های ممنوع: نخستین و شاید فوری‌ترین تغییر سیاست‌ها در نمایش فیلم‌هایی بود که پیش از آن ممنوع بودند. فیلم «آدم برفی» به کارگردانی داوود میرباقری یکی از این فیلم‌ها بود. میرباقری که با ساختن سریال امام علی(ع) در میان مردم معروف شده بود، در فیلم آدم برفی به موضوع مهاجرت پرداخته بود. یک ایرانی که برای گرفتن ویزای امریکا به ترکیه سفر کرده بود، پس از اینکه نتوانسته بود ویزا بگیرد، به پیشنهاد یکی از دلالان ایرانی خود را به عنوان زن جا زده بود تا به عقد یک امریکایی درآید و ویزا بگیرد، اما در همین هنگام با یک خانم ایرانی آشنا شده بود و از مهاجرت منصرف شده بود. این فیلم در نخستین سال از این دوره به نمایش درآمد و نمایشش با اعتراض‌هایی روبه‌رو شد، اما بعدها بارها از تلویزیون جمهوری اسلامی ایران به نمایش درآمد، ولی معترضان که به لحاظ فکری به این رسانه نزدیک بودند و هنگام نمایش عمومی آن هیاهوهای بسیار برانگیخته بودند، واکنش چندانی نشان ندادند تا این گمان تقویت شود که این اعتراض‌ها بیشتر ریشه‌های سیاسی داشت. فیلم «بانو» به کارگردانی داریوش مهرجویی نیز یکی دیگر از فیلم‌هایی بود که پس از گذشت چند سال از ساختش در این دوره به نمایش درآمد. بانو داستان زنی بود که پس از رفتن همسرش برای ازدواج با زنی دیگر، یکی از خدمتکاران بی‌جا و مکان را به خانه راه می‌دهد و در مدتی کم فامیل‌های او نیز به او می‌پیوندند و خانه اشرافی آنان را به تصرف درمی‌آورند. این فیلم اگرچه موضوعی جسارت‌آمیز داشت و از بازیگران مطرحی چون خسرو شکیبایی، عزت‌الله انتظامی، بیتا فرهی و... استفاده کرده بود، نتوانست با اقبال مردمی روبه‌رو شود. «حاجی واشنگتن» به کارگردانی علی حاتمی نیز با اینکه چندین سال پیش ساخته شده بود، در این دوره به نمایش درآمد.

بازی بزرگان: اتفاق دیگری که در این دوره رخ داد، بازگشت چند کارگردان برجسته به سینمای ایران بود که سال‌ها از عرصه فیلمسازی در ایران غایب بودند. پرویز کیمیاوی که پیش از انقلاب با ساخت فیلم‌هایی مانند «مغول‌ها»، «باغ سنگی» و «اوکی مستر» در سینمای ایران درخشیده بود، پس از انقلاب اسلامی دیگر فیلمی در ایران نساخته بود و مدتی برای تلویزیون‌های فرانسه فیلم می‌ساخت، در سال ۱۳۷۷ فیلم «ایران سرای من است» را ساخت. این فیلم داستان نویسنده‌ای شهرستانی است که کتابی درباره پنج شاعر بزرگ ایرانی نوشته و برای گرفتن مجوز کتاب راهی تهران شده است، اما به یک پنج راهی می‌رسد و نمی‌داند از کدام طرف برود تا سرانجام در حالتی رویاگونه و شاعرانه با پنج شاعر روبه‌رو می‌شود و راهنمایی‌های آنان را می‌شنود و در نهایت از راه قناتی خشک به مترو تهران می‌رسد. بهمن فرمان‌آرا که با اولین فیلمش «شازده احتجاب» مورد توجه قرار گرفته بود و او را به عنوان یکی از سینماگران پیشرو معرفی کرده بود، دومین فیلمش «سایه‌های بلند باد» با انقلاب مصادف شد و امکان نمایش پیدا نکرد. او پس از انقلاب فیلمی نساخته بود تا اینکه در این دوره با فیلم «بوی کافور، عطر یاس» به سینما بازگشت. این فیلم درباره فیلمسازی است که پس از سال‌ها کارش را دوباره آغاز کرده است. در این فیلم بهمن فرمان‌آرا نیز بازی می‌کند. فرمان‌آرا در این دوره دو فیلم دیگر نیز می‌سازد؛ «خانه‌ای روی آب» و «یک بوس کوچولو». فرمان‌آرا در سال‌های اخیر پس از نمایش «خاک آشنا» اعلام کرده است تا پایان مدیریت کنونی سینما دیگر فیلم نخواهد ساخت. ناصر تقوایی و بهرام بیضایی دو کارگردان دیگر از نسل قدیم کارگردانان متفاوت سینمای ایران هستند که در این دوره پس از غیبتی طولانی به سینما بازمی‌گردند. ناصر تقوایی پس از ۱۰ سال از ساختن «ای ایران» با ساختن یکی از فیلم‌های کوتاه مجموعه قصه‌های کیش و سپس فیلم بلند و تحسین‌برانگیز «کاغذ بی‌خط» به سینما بازمی‌گردد. کاغذ بی‌خط داستان رابطه زن و مردی است که زن با نوشتن فیلمنامه‌ای درباره زندگی خودش شناخت بهتری از خود به شوهرش داده است. در این فیلم خسرو شکیبایی و هدیه تهرانی نقش ایفا کرده‌اند. هدیه تهرانی ستاره این دوره سینماست و اغلب در فیلم‌های عامه‌پسند و در نقش‌های تکراری بازی می‌کند، اما با بازی در چند فیلم مانند کاغذ بی‌خط، یک بوس کوچولو و چهارشنبه سوری توانایی خود را در بازیگری نشان می‌دهد. بیضایی نیز در این دوره پس از گذشت ۹ سال از آخرین فیلمش، «مسافران»، بار دیگر پشت دوربین می‌رود و فیلم «سگ‌کشی» را می‌سازد که درباره زن نویسنده‌ای است که همسرش از زندان برایش پیام می‌فرستد برای رهایی‌اش چک‌هایش را وصول کند و او با زحمت بسیار این کار را می‌کند، اما در پایان درمی‌یابد که بازی خورده است. در این دوره دیگر سینماگران قدیمی ایران نیز فعال هستند و شاید فعال‌ترین آنان مسعود کیمیایی باشد که با ساختن فیلم‌های «سلطان»، «مرسدس»، «فریاد»، «اعتراض» و «سربازهای جمعه» به استقبال فضای جدید می‌رود. کیمیایی در فیلم‌هایش کماکان به فضای همیشگی فیلم‌هایش وفادار است. داریوش مهرجویی و عباس کیارستمی در این دوره حرکت رو به جلو دارند. مهرجویی این دوره را با دو فیلم «لیلا» و «درخت گلابی» آغاز می‌کند که هر دو با استقبال روبه‌رو می‌شوند، اما در ادامه دو فیلم «میکس» و «بمانی» را می‌سازد که در کارنامه‌اش از فیلم‌های ضعیف او هستند و سپس به «مهمان مامان» می‌رسد که فیلمی است ساده و موفق و از نظر فروش هم پرفروش. عباس کیارستمی حالا دیگر یکی از سینماگرانی است که در جهان او را می‌شناسند و فیلم‌هایش را می‌ستایند. او در این دوره «باد ما را با خود خواهد برد»، «طعم گیلاس»، «ای بی سی آفریقا» و «ده» را ساخته است که فیلم طعم گیلاس هم پرافتخارترین فیلم اوست و هم پایان یک دوره از فیلمسازی او. کیارستمی از این فیلم به بعد با سینمای دیجیتال آشنا می‌شود و فیلم‌هایی می‌سازد که اگرچه در جشنواره‌ها از آن استقبال می‌شود، اما در ایران بازتاب مثبتی ندارد.

عشق و جنگ: فضای تازه سینمای جنگ را نیز تحت تاثیر قرار داد. اگرچه سینمای جنگ پس از پایان جنگ آرام‌آرام از فیلم‌های ساخته‌شده در زمان جنگ فاصله می‌گرفت و موضوع‌هایی به آن راه می‌یافت که در زمان جنگ کمتر به آنها پرداخته می‌شد، اما در این دوره سینمای جنگ فضایی کاملاً تازه را تجربه کرد. از یک سو موضوع عشق به فیلم‌های جنگی راه یافت که اگرچه بی‌سابقه نیست، اما در این دوره تفاوت‌های عمده‌ای با دوره‌های قبل دارد و از سوی دیگر دیدگاه‌های انتقادی در سینمای جنگ پررنگ شد. ابراهیم حاتمی‌کیا در آغاز این دوره در فیلم «آژانس شیشه‌ای» هم به نقد بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی نسبت به رزمندگان پرداخت و هم به نقد کسانی که از نام رزمندگان سوءاستفاده می‌کنند. او فضای نقد را در فیلم «موج مرده» نیز پی گرفت. او در فیلم «روبان قرمز» پای عشق را نیز به میان می‌کشد. حاتمی‌کیا که با فیلم «از کرخه تا راین» تحولی جدی در کارهایش پدید آمده است، بهترین فیلم‌هایش را در این دوره می‌سازد. رسول ملاقلی‌پور در این دوره نه‌تنها از پرکارترین کارگردانان سینمای ایران محسوب می‌شود که چند فیلم خوب می‌سازد. ملاقلی‌پور که این دوره را با فیلم نجات‌یافتگان آغاز می‌کند، به زودی به هیوا می‌رسد که ماجرایی عاشقانه و اعتراضی دارد. هیوا همسر شهیدی است که یکی از همرزمان همسر شهیدش که اینک دیپلمات است، از او خواستگاری کرده. او به جست و جوی همسرش وارد تونلی می‌شود که درگیری در آنجا رخ داده و همسرش به شهادت رسیده است. ملاقلی‌پور در فیلم مزرعه پدری نیز این مسیر را ادامه می‌دهد. مزرعه پدری به مصائب جنگ می‌پردازد و فیلمی است ضدجنگ. کمال تبریزی نیز در شیدا عشق را محور قرار می‌دهد و حکایت دلبستگی یک رزمنده و یک پرستار را باز می‌گوید. عزیزالله حمیدنژاد نیز در فیلم «اشک سرما» هم نگاهی متفاوت به جنگ و دشمنی دارد و هم نقشی مهم برای عشق قائل است. دختر کردی که کارش فریب دادن سربازان ایرانی است برای گرفتار کردن به دست ضدانقلاب خود گرفتار سرباز جوانی می‌شود. هر دو در برف گیر می‌کنند و با مرگ مبارزه می‌کنند. احمدرضا درویش نیز که در این دوره با فیلم «سرزمین خورشید» شروع کرده است، با دو فیلم انتقادی و عاشقانه «متولد ماه مهر» و «دوئل» به استقبال فضای جدید می‌رود و در سینمای جنگ راه تازه‌ای می‌گشاید. دوئل یکی از فیلم‌های پرهزینه و باشکوه سینمای جنگ است. فیلم متولد ماه مهر اگرچه مستقیماً به جنگ مربوط نیست، اما از عواقب آن برکنار نیست، اما دوئل مستقیماً به جنگ مربوط است و داستان محموله شمش طلایی است که در اثر خیانت قرار است به دست عراقی‌ها برسد، اما گروهی نمی‌گذارند این اتفاق بیفتد. حالا جنگ تمام شده و ماجرای آن شمش‌های طلا که ناپدید شده است بار دیگر اختلاف‌ها را دامن می‌زند.

عکس: مهدی حسنی

سینمای زنانه: یکی دیگر از ویژگی‌های این دوره افزایش زنان کارگردان و همچنین توجه به موضوع حقوق و مسائل زنان در فیلم‌های سینمایی است. فیلمسازانی چون رخشان بنی‌اعتماد، تهمینه میلانی، منیژه حکمت، فریدون جبرانی، خسرو سینایی و... درباره مسائل زنان فیلم ساخته‌اند و در هیچ دوره از تاریخ سینمای ایران چنین توجهی به مسائل زنان در فیلم‌ها نشده است. رخشان بنی‌اعتماد در فیلم «بانوی اردیبهشت» به مسائل زنان طلاق گرفته می‌پردازد. منیژه حکمت در نخستین فیلم خود به زندان زنان می‌رود و روابط زنان زندانی را در فیلمش به تصویر می‌کشد. مهرجویی با فیلم لیلا نگاه تازه و متفاوتی به مساله زنان نازا دارد. فریدون جبرانی در قرمز به مسائل زن و همسر روانی‌اش می‌پردازد. خسرو سینایی در «عروس آتش» به مسائل زنان در جوامع قبیله‌ای می‌پردازد که زن حق انتخاب شریک زندگی خود را نیز ندارد. حمید نعمت‌الله در «بوتیک» اشاره‌ای به زندگی یک دختر فراری دارد. مازیار میری در «به‌آهستگی» از قضاوت‌های سریع و نادرست درباره زنان می‌گوید. اصغر فرهادی در «چهارشنبه‌سوری» از خیانت شوهری به زنش می‌گوید. کارگردانان دیگری هم در فیلم‌هایشان به زن و مسائل و مصائب زنان می‌پردازند، اما چهره اصلی سینمای زنانه در این دوره تهمینه میلانی است. تهمینه میلانی بهترین فیلم‌هایش را در این دوره می‌سازد. او در فیلم‌های «دو زن»، «تیمه پنهان»، «واکنش پنجم» و «زن زیادی» به موضوع زنان می‌پردازد. میلانی در فیلم دو زن، موقعیت زنی را به تصویر می‌کشد که از سوی جوانی مزاحم و بدبلی‌های شوهرش در رنج است. در نیمه پنهان زنی برای همسرش که برای قضاوت درباره زنی زندانی به شهری دیگر می‌رود، نامه‌ای می‌نویسد و با افشای بخشی از سوابق خود از او می‌خواهد که درباره زن زود قضاوت نکند. واکنش پنجم داستان زنی است که پس از مرگ همسرش از سوی پدر همسرش تحت فشار قرار گرفته است تا با برادر همسر سابقش ازدواج کند.

سینمای انتقادی: در این دوره سینمای اجتماعی و انتقادی که چند سالی از رونق افتاده بود، رونق گرفت و موضوع‌های سیاسی که معمولاً در سینمای ایران مورد توجه نبودند به سینما راه یافتند. پرداختن به زندگی طبقات پایین، فقر، بی‌عدالتی و فساد از موضوع‌هایی است که در کار کارگردانانی چون رخشان بنی‌اعتماد (بانوی اردیبهشت و زیر پوست شهر)، جعفر پناهی (دایره و طلای سرخ)، رسول ملاقلی‌پور (نسل سوخته و قارچ سمی)، حاتمی‌کیا (ارتفاع پست)، اصغر فرهادی (شهر زیبا، رقص در غبار)، حمید نعمت‌الله (بوتیک) و... دیده می‌شود. در این دوره رد پای سیاست در برخی از فیلم‌ها پیداست. قارچ سمی درباره رزمنده‌ای است که متوجه می‌شود یکی از همرزمان سابقش شرکتی تاسیس کرده و در آن کار خلاف می‌کند. ابوالحسن داودی در فیلم نان، عشق و موتور ۱۰۰۰ به دعواهای سیاسی بین جوانان می‌پردازد. منیژه حکمت نیز در زندان زنان به زندانیان سیاسی نیز اشاراتی دارد. سامان مقدم در فیلم «پارتی» به مسائل روز سیاسی می‌پردازد. تهمینه میلانی نیز در نیمه پنهان اشاره‌هایی به فعالیت سیاسی گروه‌ها در اوایل انقلاب دارد.

تولد یک نسل: در این دوره به خاطر سیاست‌های آسان‌گیرانه از یک سو و رواج دوربین دیجیتال که کار فیلمبرداری را آسان کرده است، تعداد زیادی از جوانان فیلمساز، نخستین فیلم خود را عرضه می‌کنند که برخی از آنان امروز جزء سینماگران موفق ایران هستند. دوربین دیجیتال به خاطر حذف بخش‌هایی از کار در سینما باعث ارزان شدن تولید فیلم می‌شود. دوربین دیجیتال در سینمای ایران پس از آن رواج یافت که عباس کیارستمی از آن برای ساخت چند فیلم مانند ای‌بی‌سی آفریقا، ده و... استفاده کرد. دوربین دیجیتال باعث می‌شود کارگردان برای تولید فیلم نیاز به سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده نداشته باشد و با امکانات فردی نیز فیلم بسازد، اما از آن طرف باعث سهل‌انگاری و تولید فیلم‌های ضعیف نیز می‌شود. با این حال همه کارگردانان نسل جدید از این تکنولوژی استفاده نکردند. در میان کسانی که نخستین فیلم خود را در این دوره ساختند، می‌توان به سیدرضا میرکریمی (کودک و سرباز، زیر نور ماه، اینجا چاغی روشن است)، پرویز شهبازی (نجوا، نفس عمیق)، مرضیه مشکینی (روزی که زن شدم)، بهمن قبادی (زمانی برای مستی اسب‌ها، آوازهای سرزمین مادری‌ام)، امیرشهاب رضویان (تهران ساعت هفت صبح)، منیژه حکمت (زندان زنان)، ایرج کرمی (از کنار هم می‌گذریم)، اصغر فرهادی (رقص در غبار، شهر زیبا، چهارشنبه سوری)، مازیار میری (قطعه ناتمام، به آهستگی)، علیرضا امینی (نامه‌های باد)، مانی حقیقی (کارگران مشغول کارند)، حمید نعمت‌الله (بوتیک) و محسن امیریوسفی (خواب تلخ) اشاره کرد. در میان آنان اصغر فرهادی را می‌توان موفق‌ترین فیلمسازی نامید که در این دوره فعالیت خود را شروع کرده است، اما اگر فیلمسازان موفق امروز را مرور کنیم، این اسامی را در میان فیلمسازان موفق کنونی نیز می‌توانیم ببینیم.

مروری بر یک زندگی

سیف‌الله داد آغاز سال گذشته را با نشاط شروع کرد. آنهایی که او را می‌شناختند، هنوز پیامک‌های بانشاطش را به یاد دارند. این پیامک‌ها از او که درگیر بیماری سختی بود، برای دوستانش بسیار خوشایند بود. شاید همین شور و نشاط بود که مرگش ضربه‌ای ناگهانی بود که کسی فکرش را نمی‌کرد. مرگش ناباورانه بود، سخت ناباورانه.

پس از مرگ سیف‌الله داد که یک سالی از آن می‌گذرد، خبرهایی از کارهای در دست اقدام او منتشر شد که در زمان زندگی‌اش چندان علاقه‌ای به انتشار آنها نداشت. در خبرها آمده بود که او قصد داشته فیلمی درباره زندگی پیامبر(ص) بسازد، اما گویا فیلمی که او قرار بوده بسازد درباره زندگی همسر پیامبر بوده تا شاید روزنه‌ای به زندگی آن حضرت بگشاید. سیف‌الله داد که در رشته جامعه‌شناسی درس خوانده بود، از سال ۱۳۶۲ با پیوستن به تلویزیون به سینما روی آورد و دو سال بعد نخستین فیلم سینمایی‌اش را با نام «زیر باران» ساخت. او با فیلم «کانی مانگا» به عنوان یکی از کارگردانان سینمای جنگ مطرح شد و هشت سال بعد با فیلم «بازمانده» مورد توجه واقع شد. با اینکه فیلم‌هایش جوایزی نیز گرفته است، اما اهمیت داد در سینمای ایران بیشتر به خاطر مدیریت اوست. او از سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ به عنوان رئیس هیات‌مدیره خانه سینما (نهاد صنفی و غیردولتی سینماگران) فعالیت کرد و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ به عنوان معاون سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. او در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منشاء خدمات زیادی به سینمای ایران شد و از سینماگران به عنوان بهترین مدیر سینمایی کشور معرفی شده است.

یادداشت

حضور او به ما آرامش می‌داد

هما روستا تنها در یک فیلم با مرحوم داد همکاری داشته. او از خاطراتش در این فیلم می‌گوید.

من تنها همکاری‌ای که با مرحوم سیف‌الله داد داشتم در فیلم «از کرخه تا راین بود» که ایشان مجری طرح بودند. بعد از این آشنایی و همکاری متاسفانه دیگر روابط ما ادامه پیدا نکرد و رفت و آمدی با هم نداشتیم اما هر بار هر جا که او را می‌دیدم بسیار خوشحال می‌شدم. او هم با سینما خیلی آشنا بود هم یک انسان واقعی بود. او با همه خوب تا می‌کرد، بسیار مودب و بی‌آزار بود. من به جز خوبی از سیف‌الله داد چیزی ندیدم. از زمانی که بیمار شد و بعد فوت کرد هم بسیار غصه خوردم و متاسف شدم. من چیزی از داد به جز خاطره خوب ندارم. در کار حاتمی‌کیا که با هم بودیم او مجری طرح بود و با توجه به اینکه خارج از ایران فیلمبرداری می‌شد گروه با سختی‌های زیادی همراه بود، ولی او همیشه با متانت و بردباری کنار ما بود و سعی می‌کرد مشکلات همه را حل کند. او با اینکه در همه صحنه‌ها حضور داشت اما هرگز دخالتی در کار نمی‌کرد. حضور او به ما در آن شرایط سخت کاری همیشه آرامش می‌داد. او انسان بسیار خوبی بود و واقعاً حیف که دیگر بین ما نیست. حیف.

سفرهای بیادماندنی مارکوپولو
www.MARCOPOLO.ir
نامی معتبر در صنعت جهانگردی
تورهای تابستانی
در سطحی متفاوت
۹ روز ایتالیا – اطریش (رم-فلورانس-وین-سالزبورگ) - ۲۲ شهریور
۱۱روز یونان–ایتالیا (آتن-رم-ونیز) - ۱۶ شهریور
۱۰روز ایتالیا–فرانسه (ونیز-رم-پاریس) - ۲۰ شهریور
۱۲ روز استرالیا (ملبورن-گلدکاست-بریزبین-سیدنی) - ۱۷ شهریور
۱۱روز برزیل (سائوپولو-آبشارایگواسو-ریودوژنیرو) - ۷ شهریور
۱۰روز آفریقای جنوبی (ژوهانسبورگ-پرتوریا-پارک جنگلی سان سیتی-کیپ تاون) - ۱۲ شهریور
۱۰روز روسیه (سن پترزبورگ-مسکو) - ۲۵ مرداد - ۱۲ شهریور
۱۱روز سفر رویایی با کشتی مجلل SUPER STAR VIRGO
(دیدار از جزایر تایلند-پنانگ-کوالالامپور-سنگاپور) - ۱۲ شهریور
و دهها تور متنوع دیگر...
around the world
*تورهای هفتگی مالزی *تورهای هفتگی ترکیه (سواحل مدیترانه)
*ایرانگردی را با تورهای متفاوت مارکوپولو تجربه کنید *با درخواست تلفنی بروشور رایگان ارسال می شود.
برای کسب اطلاعات بیشتر لطفا به سایت www.marcopolo.ir مراجعه فرمائید
شبهای سفر: مطهری،خیابان سنایی،پلاک ۱۶۲ ۸۸۳۲۷۷۳۲-۳
ایده آل: بهشتی،نبش داریوش،پلاک ۱۱ ۸۸۴۷۱۸۲۰
برج: ولیعصر،روبروی پارک ملت،برج ملت ۲۲۰۵۶۶۱۶
کیان: قائم مقام فراهانی،شماره ۷۵ ۸۸۸۴۱۱۲۸
گالیور: میرداماد،مقابل برج آرین، ۲۰۳ ۲۲۲۷۸۵۲۸
سیاره توریستی: میدان فاطمی ، ساختمان فاطمی ۸۸۹۷۴۰۰۵
تعطیلات: تجریش ، ابتدای شریعتی ۲۲۷۱۰۱۹۱

فوق العاده
تورهای اروپایی آرتیمان
فرانسه. ایتالیا. اسپانیا. آلمان. انگلستان. اکراین
تایلند. مالزی. سنگاپور. سواحل خلیج فارس. ترکیه
کیش. مشهد
آرتیمان ۲۲۹۲۲۵۳۳ ۲۶۴۰۰۳۶۹-۷۱

سفر به ناشناخته های ایران و جهان با اسپیلت البرز
اسپیلت البرز
جنگل جهان نما
قله اشترانکوه
قله سبلان
ییلاق داماش
طبیعت گردی اردبیل
ارسباران و قلعه بابک
آبشار گریت و سراب کهمان
ییلاق سماموس
(۱۰ خط) ۶۶۹۰۲۶۸۰
www.spilet.com

سواحل مدیترانه
(پرواز هفتگی ترک)
بلغارستان (سواحل ماسه های طلایی)
مسکو - سنت پترزبورگ
سواحل خلیج فارس
تایلند، مالزی، سنگاپور، چین (پکن - شانگهای)، ارمنستان
www.Parsavosh.com
پرساووش
۸۸۹۷۴۱۴۱-۳و۸۸۹۷۴۵۱۱-۱۲و۱۴

هواپیمایی بلغار ایر BULGARIA AIR
تجربه ای نو - سفری تازه - خاطره ای ماندگار
تور بلغارستان فول چارتر
فرصتی استثنایی جهت بازدید از اروپای شرقی
سواحل ماسه های طلایی
یک هفته اقامت
فروش بلیط داخلی ، خارجی ، کلیه خطوط
با مجوز از هواپیمایی کشوری و سفارت بلغارستان
تماس تا ۲۱ ایام تعطیل ۱۰ الی ۱۶
Www.farazamoot.com
فراز آموت ۷۷۵۲۳۲۳۸